

# نگرش‌های اقتصادی امام باقر علیه السلام



سید محمود طاهری



## اشاره:

در قسمت پیشین مقاله، سیره و سخن امام باقر علیه السلام را در باب تلاش اقتصادی، کشاورزی، بیکاری و فقر مورد بررسی قرار دادیم و اکنون ادامه بحث را پی می‌گیریم.

## ۶. انفاق

یکی از فضیلت‌های اخلاقی که تأثیر بسزایی در بهبود اقتصادی جامعه دارد، «انفاق» است. در واقع، ارزشمندی انفاق از آنجا ناشی می‌شود که شخص، بدون هیچ الزام شرعی و تنها بر اثر تعهد اخلاقی و حس دگرخواهی و از روی اختیار و برای

خدا، آن را انجام می‌دهد.

امام حسن علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ» أَمَا هَذَا الْحَقُّ الْمَعْلُومُ؟ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام: الْحَقُّ الْمَعْلُومُ، الشَّيْءُ يُخْرِجُهُ مِنْ مَالِهِ لَيْسَ مِنَ الزُّكَاةِ وَلَا مِنَ الصَّدَقَةِ الْمَفْرُوضَتَيْنِ. قَالَ: فَإِذَا لَمْ يَكُنْ مِنَ الزُّكَاةِ وَلَا مِنَ الصَّدَقَةِ فَمَا هُوَ؟ فَقَالَ هُوَ الشَّيْءُ يُخْرِجُهُ الرَّجُلُ مِنْ مَالِهِ، إِنْ شَاءَ أَكْثَرَ وَإِنْ شَاءَ أَقَلَّ، عَلَى قَدْرِ مَا يَمْلِكُ. فَقَالَ الرَّجُلُ فَمَا يَضَعُ بِهِ؟ فَقَالَ: يَصِلُ بِهِ رَجْمًا

اجتماعی، می‌تواند نقش بنیادین داشته باشد.

ممکن است در مرحله ابتدایی به نظر آید که انفاق‌های غیر واجب، جنبه اخلاقی دارد، پس چون پشتوانه اجرایی ندارد، نمی‌توان از نظر اقتصادی روی آن حساب کرد؛ ولی با پذیرش مختار و آزاد بودن انسان و تأثیر مستقیم عقاید بر تمام رفتارهای او از جمله مسائل اقتصادی، آشکار می‌شود دستورهای اخلاقی و استنباطی هم بر افراد معتقد، نقش فراوانی دارد. چنین انسانهایی اگر الزام و اجباری هم در بین نباشد، باز هم رفتار آنان در روابط اجتماعی و اقتصادی با باورهایشان هماهنگ است.<sup>۲</sup>

نکته: انفاق با همه ارزشمندی آن در صورتی آثار عملی مثبتی در جامعه به جای می‌گذارد که برای اهل آن

وَيُقَوِّى بِهِ ضَعِيفًا، وَيَخْمِلُ بِهِ كَلًّا، أَوْ يَصِلُ بِهِ أَحَاْلَهُ فِي اللَّهِ أَوْ لِنَائِبَةِ تَتَوَبُّهُ،<sup>۱</sup> مردی نزد امام سجاد علیه السلام رفت و گفت: «مرا از این سخن خداوند که می‌فرماید: «در اموالشان حقی معلوم است» آگاه کن؛ که این حق معلوم چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «حق معلوم، مقداری است که انسان از مال خویش بیرون می‌کند؛ غیر از زکات و صدقه [خمس] واجب.» گفت: «اگر غیر از زکات و خمس است پس چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «این، مقداری است که هر کس از مال خویش [به اختیار خود] جدا می‌کند؛ زیاد یا کم به فراخور ثروت و دارایی‌اش.» آن مرد گفت: «با این مقدار چه باید بکند؟» امام علیه السلام فرمود: «با آن صله رحم کند، ناتوانی را قوت ببخشد، مشکل در مانده‌ای را از دوشش بردارد، یا به وضع برادر دینی خود رسیدگی کند و یا برای دیگر پیشامدها که پیش می‌آید.»

انفاق‌های غیر واجب که تحت عناوین مختلفی آمده است، از منابع عظیم اجتماعی است که در تأمین نیازهای جامعه و تحقق عدالت

۱. تفسیر صافی، فیض کاشانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، اول، ۱۳۷۷ ش، ج ۷، ص ۲۹۳.  
 ۲. ر.ک: مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، محمود عبد اللهی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، دوم، ۱۳۷۵ ش، ص ۳۶۰.

این است که در دنیا به انسان برگردانده می‌شود.

به هر حال، انفاق باید حکیمانه و منطقی و از روی توجه به اثر و نتیجه باشد؛ تنها حسن نیت و اخلاص، کافی نیست؛ [بلکه] حکمت و منطقی و تعقل هم لازم است. اگر انفاق، بدون توجه به نتیجه باشد و صرفاً جنبه احساساتی و ترحمی داشته باشد، زیان‌آور است.<sup>۱</sup>

#### ۷. نهی از کارهای کاذب

یکی از انواع کارهایی که اهل بیت علیهم‌السلام و حضرت باقر علیه‌السلام پیروانشان را از دست یازیدن بدان باز داشته‌اند، «کارهای کاذب» است؛ کارهایی که محوریت در آنها، تنها سود شخصی است و از توجه به منافع دیگران، و نیز از مفید و مولد بودن آنها، چشم‌پوشی شده است. در این نوع کارها، معمولاً کوشش، جایگاهی ندارد و شخص در پی ثروتهای بادآورده است.

جناب شیخ الرئیس ابو علی سینا

۱. یادداشتهای استاد مطهری، مرتضی مطهری، تهران، صدر، سوم، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۴۱۷ و ۴۲۱.

صورت پذیرد؛ یعنی برای کسانی که از بد حادثه سزاوار انفاق شده‌اند و زمینه را برای برخاستن شخص از جای خویش (در صورتی که به‌طور کامل زمین‌گیر نشده است) و رو آوردن وی به کار و تلاش فراهم آورد؛ در غیر این صورت، انفاق، عاملی برای گداپروری و رکود اقتصادی خواهد بود.

به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری علیه‌السلام: «انفاق باید به گونه‌ای باشد که مفید باشد، موجب ازدیاد ثروت اجتماع باشد، اجتماع را ترمیم کند، و صرف بهبود و سلامت اجتماع شود؛ ولی اگر صرف گداپروری شود، نه اینکه ثمری ندارد؛ بلکه بر بدبختی و زیان و فقر اجتماع می‌افزاید و بلای اجتماعی می‌گردد، و خلاصه آنکه انفاق باید مقرون به منطقی و حکمت بوده باشد.

انفاق صحیح، ترمیم و اصلاح است و هدر نمی‌رود و به اجتماع برمی‌گردد؛ همان‌گونه که در آیه ۲۷۲

سوره بقره می‌خوانیم: «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ»؛ «و آنچه از خیر انفاق نمودید به شما برمی‌گردد»، که ظاهر

رباخواری، شخص رباخوار، ثروت خود را افزایش می‌دهد، بدون آنکه کاری انجام دهد و بخشی از مشکلات جامعه را بر دوش بگیرد.<sup>۱</sup>

نمونه‌ای از نهی امام محمد باقر علیه السلام از کارهای کاذب را در این حدیث می‌خوانیم: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَسْتَقْبِلُ بِالْعَمَلِ فَلَا يَعْمَلُ فِيهِ وَيَدْفَعُهُ إِلَى آخَرَ فَيَزِيحُ فِيهِ؟ قَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ قَدْ عَمِلَ فِيهِ شَيْئاً،<sup>۲</sup> محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره کسی پرسید که تعهد می‌کند کاری را انجام دهد؛ ولی بعداً همان کار را بدون آنکه بخشی از آن را عهده‌دار شود، به دیگری واگذار می‌کند و از این راه، منافی تحصیل می‌کند. امام علیه السلام فرمود: «نه [نمی‌تواند چنین کاری را انجام دهد؛] مگر آنکه قسمتی از کار را خود انجام داده باشد.»

از این رهگذر می‌بینیم که در کارهایی همانند آنچه در این روایت آمده است، آنجاکه در کنار سود بردن، تلاش شخصی نیز شکل می‌گیرد،

در کتاب «الالهيات من كتاب الشفاء» در واکنش به کارهای کاذب و دروغین چنین می‌نویسد: «همان‌گونه که باید بیکاری ممنوع باشد، باید از رواج کارهایی که زمینه انتقال املاک و منافع را فراهم می‌آورد، بدون اینکه در مقابل این انتقال ملک و منفعت، سودی به صاحب آن برسد جلوگیری شود؛ مانند قمار کردن؛ زیرا کسی که قمار می‌کند، در مقابل آنچه برنده می‌شود، سودی به طرف مقابل نمی‌رساند.

باید جلوی این‌گونه کارها را گرفت و جامعه را چنان سامان داد که اگر کسی چیزی از دیگران می‌ستاند، در مقابل صنعت و پیشه‌ای باشد و سودی مادی به دیگران برساند.

همچنین باید از کارهایی که ضد مصلحت جامعه است جلوگیری به عمل آید؛ مانند: آموزش دزدی و دلالی و مانند اینها. نیز باید کارهایی که انسان را از کسب و حرفه و صنعت بی‌نیاز می‌کند و باعث می‌شود که انسان در نظام جامعه شرکت نکند و در آن سهم نداشته باشد، مانند: رباخواری، ممنوع و غیرقانونی اعلام شود؛ چرا که در

۱. الالهيات من كتاب الشفاء، ص ۴۹۷ و ۴۹۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۳۲.

نهی کرده‌اند. در زشتی پدیده «ربا» همین بس که خداوند، آن را اعلان جنگ با خدا و رسول خدا ﷺ دانسته است و می‌فرماید: «فَإِنْ تَفَعَلُوا فَاذْنَبُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»<sup>۳</sup>؛ اگر چنین کنید (و دست از رباخواری برندارید)، اعلان جنگ با خدا و رسول خدا بدهید.»

امام باقر ﷺ در این باره می‌فرماید: «أَخْبَثُ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرَّبَا»<sup>۴</sup>؛ پلیدترین کسبها، کسب از راه رباخواری است.» همچنین از آن حضرت، روایت شده است: «إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَا لِئَلَّا يَذْهَبَ الْمَعْرُوفُ»<sup>۵</sup>؛ همانا خداوند ربا را حرام کرد که نیکوکاری از میان نرود.»

حضرت باقر العلوم ﷺ در حدیثی دیگر می‌فرماید: «دَرَهُمْ رَبَا أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ أَرْبَعِينَ زَنْبَةً»<sup>۶</sup>؛ یک درهم ربا

امام ﷺ بی‌درنگ آن را مجاز اعلام می‌فرماید. به این روایت توجه کنیم: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ الْخَيَاطِ يَتَقَبَّلُ الْعَمَلَ فَيَقْطَعُهُ وَيُعْطِيهِ مَنْ يَخِيطُ وَيَسْتَفْضِلُ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ، قَدْ عَمِلَ فِيهِ»<sup>۱</sup> محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر ﷺ پرسیدم از مردی خیاط که کاری را قبول می‌کند، [و خود نیز بخشی از کار را انجام می‌دهد] به این ترتیب که پارچه را خود می‌برد؛ اما دوختن آن را به دیگری واگذار می‌کند و با این عمل، سودی به دست می‌آورد. حضرت فرمود: «مانعی ندارد چون او خود [روی پارچه] کار کرده است.»

#### ۸. رباخواری

ربا در اصطلاح شرع، معاوضه یکی از دو جنس متمائل مکیل یا موزون است به دیگری با زیادت در یکی از آن دو؛ و یا اقتراض مالی با تعهد به پرداخت چیزی بیش از مقدار قرض شده.<sup>۲</sup>

ربا یکی از ناهنجاریهای اخلاقی و اقتصادی است که آموزه‌های دینی - به دلیل آثار زیانبارش -، به شدت از آن

۱. همان، ص ۱۳۳.

۲. معارف و معاریف، سید مصطفی حسینی دشتی، تهران، آرایه، اول، ۱۳۸۵ ش، ج ۳، ص ۴۲۸.

۳. بقره/۲۷۹.

۴. الحیاء، ج ۵، ص ۳۰۷.

۵. همان، ص ۶۱۸.

۶. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۱۶.

نزد خداوند، از چهل بار زنا کردن سنگین تر است.»

در حقیقت «نتیجه ربا، نابودی و فناء عده‌ای بیچاره و تمرکز ثروت در دست طبقه دیگری است که از مزایای ثروت و سرمایه به اندازه کافی بهره‌مندند. طبقه فقیر روز به روز بر بارشان افزوده و طبقه رباخوار بر قطر و وسعت سرمایه‌هایشان اضافه می‌شود، تا آنچه بخواهند بکنند و به هرگونه‌ای که اراده نمایند با اموال و حتی نیروی کار مردم بازی کنند و نیروهای خلاقه و قدرت کار و فعالیت افراد را در راه سیر کردن اشتهای سیرناشدنی خویش به کار اندازند.

آری، خداوند جهان بر همه اسرار هستی آگاه است و نتایج سوء و زندگی بر بادده ربا و تراکم غلط و نابجای سرمایه را می‌داند که چگونه به جمع شدن میلیونها ثروت در دست عده‌ای منجر شده و در بانکها از جریان افتاده، و از اثر آن، عده‌ای بیکار بر اریکه راحتی تکیه زده، به عیاشی و تن‌پروری می‌پردازند و در مقابل، گروهی، از همه چیز محروم می‌شوند؛

عده‌ای برخلاف فطرت از اثر اتراف و تمرکز ثروت، بدون کار زندگی می‌کنند و گروهی بر اثر محرومیت و حتی با نیروی کار و فعالیت خود قادر به ادامه زندگی نخواهند بود. از اینرو است که قرآن مقدس، به شدت با ربا مبارزه کرده، و با اساس این مبادله ظالمانه جنگیده و آن را جنگ با خداوند دانسته است.<sup>۱</sup>

به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری علیه السلام «نظر دین در تحریم ربا به دو چیز مهم است: ۱. اینکه مردم از گرفتاریهای یکدیگر سوء استفاده نکنند و آنجا که باید به یکدیگر اعانت و مساعدت کنند، مزد و پاداش - آن هم پاداش گران - نخواهند. و اساساً در اجتماع لازم است عواطف نیز تقویت شود تا پاره‌ای از مشکلات به واسطه محبت و عواطف حل شود؛ ۲. اینکه دین نمی‌خواهد افرادی پیدا شوند که بخورند؛ اما کار نکنند. خود کارل مارکس، مبتکر کمونیسم می‌گوید: ربا یکی از مظاهر دزدی سرمایه‌داری از

۱. ر.ک: معنویت تشیع، علامه طباطبایی، قم، تشیع، دوم، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۶۵ و ۱۶۶.

اموال طبقات کارگر است.<sup>۱</sup>

### ۹. احتکار و زراندوزی

احتکار و زراندوزی، از فزون‌طلبی، سودپرستی و منفعت‌طلبی شخص، و بی‌غمی و بی‌خیالی او نسبت به هموعانش حکایت می‌کند. احتکار، یکی از بیماری‌های اجتماعی است که به روابط بازار و مبادلات صدمه می‌زند و آنها را از مسیر طبیعی خود منحرف می‌سازد. این فزون‌طلبی، باعث می‌شود عده‌ای با پولی که در اختیار دارند کالای مورد نیاز مردم را خریداری و به منظور سود بیش‌تر آن را عرضه نکنند و در نتیجه، بازار را از وضع عادی، خارج کرده و قحطی مصنوعی به وجود آورند.

حکومت اسلامی در نظام دادن به جامعه و جلوگیری از هرج و مرج مسئولیت دارد. با توجه به این مطلب، از نظر فقهی هیچ‌گونه تردید و خلافی نیست که حاکم اسلامی در حمایت از مردم و به عنوان اقدام اجرایی در برانداختن احتکار، محتکر را مجبور می‌کند که کالای خود را از انبار خارج

سازد و در معرض فروش قرار دهد و اگر امتناع ورزید و حاضر نشد کالا را عرضه کند، حاکم خود به جای او به فروش کالا اقدام می‌کند و بدین ترتیب، مردم را از تنگنا رهایی می‌بخشد.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام به روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خَمْسَةٌ لَعْنَتُهُمْ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ: الرَّائِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي... وَالْمُسْتَأْثِرُ بِالْفَنَاءِ الْمُسْتَجِلُّ لَهُ»<sup>۳</sup> پنج نفرند که من و هر پیامبر مستجاب الدعوه‌ای آنان را لعنت کرده‌ایم: کسی که بر کتاب خدا چیزی بیفزاید، آنکه سنت و روش مرا رها کند... و کسی که مال عمومی را به خود منحصر سازد و آن را حلال شمارد.»

بی‌گمان، احتکار مشمول آیه «كُنْزٌ» نیز می‌شود که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبِئْسَ لَهُمْ بَعْدَ ابٍ

۱. یادداشتهای استاد مطهری، ج ۴، ص ۲۸۱ و ۲۸۳.

۲. ر.ک: مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۱۶۰ و ۱۶۷.

۳. کافی، ج ۲، ص ۲۹۳.

اجتماع نیز در مال شخصی حق دارد، و اسراف مستلزم تضييع حق اجتماعی در اموال شخصی است.<sup>۲</sup>

به تعبیر استاد شهید مطهری (ره): «اسراف و تبذیر و هرگونه استفاده نامشروع از مال، ممنوع است؛ نه تنها از آن جهت که نوع عملی که روی آن مال صورت می‌گیرد، حرام است؛ بلکه از آن جهت که تصرف در ثروت عمومی است، بدون مجوز».<sup>۳</sup>

#### ۱۰. گدایی

گدایی در عبارتی کوتاه، یعنی کوشش برای بهبود وضعیت اقتصادی به قیمت نابودی کرامت و شخصیت انسان. هرگز یک انسان عزتمند، دست نیاز به سوی دیگران دراز نمی‌کند. برای انسان عزتمند، «با سیلی صورت را سرخ داشتن» بسی دلپذیرتر از آن است که مقابل دیگران، دست نیاز بگشاید. گدایی از آنجا که به معنای پذیرفتن وضع حاضر و تسلیم در برابر

أَلَيْسَ \* يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتَكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ تَكْنُزُونَ ﴿۱﴾<sup>۱</sup> «و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده. روزی که آن [گنجینه]ها را در آتش بگدازند، و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند]: این است آنچه برای خود اندوختید. پس [کیفر] آنچه را می‌اندوختید بچشید.»

کنز در لغت به معنای روی هم انباشتن و گرد آوردن است. مال زیاد و انباشته، کنز نامیده می‌شود. اشخاصی که با شکلها و شیوه‌های گوناگون، اموالی را گرد می‌آورند، اهل کنز هستند.

پولها و سرمایه‌های شخصی باید به نوعی به سود جامعه در گردش باشد و از احتکار آن جلوگیری به عمل آید. این اصل شاید بر این بینش اسلامی استوار باشد که جامعه در اموال شخصی اشخاص نیز حق دارد؛ از اینرو می‌بینیم که اسراف در مال شخصی نیز حرام و ممنوع است؛ چون

۱. توبه/۳۴ و ۳۵.

۲. معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ص ۳۴۸.

۳. نظری به نظام اقتصادی اسلام، ص ۵۴.



ربا یکی از ناهنجاریهای  
اخلاقی و اقتصادی است  
که آموزه‌های دینی - به  
دلیل آثار زیانبارش -، به  
شدت از آن نهی کرده‌اند.  
در زشتی پدیده «ربا»  
همین بس که خداوند، آن  
را اعلان جنگ با خدا و  
رسول خدا ﷺ دانسته  
است

که «هرگاه تصمیم گرفتم [از مردم و مال  
مردم] ناامید باشم و جانم آن را  
پذیرفت، دیدم بی‌نیاز و توانگرم؛ و  
طمع داشتن [به مال مردم]، عین فقر  
است.»

آن است، نوعی تلقین عملی نسبت به  
این کار نازیبا است. در نتیجه همین  
تلقین، هرگز احوال اقتصادی شخص  
بهبود نمی‌یابد و شخص، همواره در  
فقر و تهی دستی به سر خواهد برد.

امام باقر علیه السلام در این باره در حدیثی  
زیبا می‌فرماید: «أَقْسِمُ بِاللَّهِ لَهَوْ حَقٌّ مَا فَتَحَ  
رَجُلٌ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ  
بَابَ فَقْرٍ»<sup>۱</sup> سوگند به خدای، سوگندی به  
حق! که هیچ کس دری از سؤال  
(گدایی) بر خود نمی‌گشاید؛ مگر اینکه  
خدا، دری از فقر بر روی او بگشاید.»

همچنین آن حضرت می‌فرماید:  
«لَوْ يَغْلَمُ السَّائِلُ مَا فِي الْمَسْأَلَةِ، مَا سَأَلَ أَحَدٌ  
أَحَدًا»<sup>۲</sup> اگر سؤال‌کننده (گدا) از آنچه در  
گدایی است باخبر بود، هرگز کسی از  
کس دیگر درخواست نمی‌کرد.»

همچنین از ایشان نقل شده است:  
«الْيَأْسُ مِمَّا فِي آيْدِي النَّاسِ عِزُّ الْمُؤْمِنِ فِي  
دِينِهِ، أَوْ مَا سَمِعْتَ قَوْلَ حَاتِمٍ:

إِذَا مَا عَزَمْتُ الْيَأْسَ الْفَيْئَةُ الْغَنَى

إِذَا عَزَمْتُ النَّفْسَ، وَالطَّمَعُ الْفَقْرُ»<sup>۳</sup>

بی‌توجهی به آنچه در دست  
مردمان است، مایه عزت مؤمن در دین  
اوست. آیا این گفته حاتم را نشنیده‌ای

۱. الحیاة، ج ۴، ص ۴۴۳.

۲. همان، ص ۴۴۵.

۳. همان، ص ۴۴۹.